

الگوی مدیریت سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

شاهده پروین کاظمی^۱، طاهره عبداللهی^۲

چکیده

گرایش به الگو و پیروی از مُد، نیاز بشری است که برای کمال‌گرایی و تکامل‌طلبی به‌طور فطری در درون انسان‌ها نهاده شده و این نیاز در آموزه‌های دینی به‌طور آشکارا مورد توجه قرار گرفته است. ازسویی، تبلور شخصیت و هویت انسانی به عوامل گوناگونی مانند امکان تأثیرگذاری از رهگذر حضور در عرصه سیاسی وابسته است. عملکرد سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حریم نبوت و ولایت در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از دوران رحلت ایشان از فرازهای مهم تاریخ اسلام است. مقاله حاضر باروش توصیفی-تحلیلی، الگوی مدیریت سیاسی حضرت در دفاع از اسلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از رحلت حضرت را بررسی می‌کند. دفاع از نبوت و آموزش مسائل دینی به زنان از موارد مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دفاع از مقام خود و مقام امامت از موارد مدیریت حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

واژگان کلیدی: الگوی مدیریت، مدیریت سیاسی، حضرت زهرا علیها السلام.

۱. مقدمه

مدیریت به معنای هماهنگی و نظارت برای رسیدن به هدفی خاص توسط یک تیم است. مدیر، مرجعی مورد اعتماد در جامعه انسانی است که تعارضات و چالش‌ها با کمک او حل می‌شود. هیچ گروه یا جماعتی نمی‌تواند بدون بهره‌بردن از وجود یک مدیر در صحنه‌های مختلف زندگی به‌ویژه

۲. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث از پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

ORCID ID: 0000-0001-9632-1927

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

EMAIL:t_abdollahi@miu.ac.ir ORCID ID: 0000-0003-3996-7174

صحنه سیاسی به سمت موفقیت حرکت کند. اگر انسان بخواهد در مدیریت سیاسی موفق شود به الگو و سرمشق نیاز دارد و اگر انسان نتواند الگوی درستی را سرمشق خود قرار دهد در دنیا و آخرت زیان کار خواهد شد. بعضی از انسان‌ها در این مسیر، راه اشتباهی را انتخاب کرده‌اند، اما بعضی دیگر با الگوگیری صحیح به سعادت رسیده‌اند. معصومین علیهم‌السلام که زندگی آن‌ها از تمام جوانب، بهترین و کامل‌ترین الگوست مانند زندگی حضرت زهرا علیها‌السلام که در کنار وظایف خانوادگی در صحنه سیاسی برای انسان‌ها به‌ویژه برای زنانی که می‌خواهند در صحنه سیاسی فعالیت داشته باشند بهترین و موفق‌ترین الگوی مدیریتی است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. الگو

الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، نمونه، مثال، مدل و... آمده است، اما در اصطلاح و در علوم گوناگون مانند تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و علوم اجتماعی به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. الگو در حوزه تعلیم و تربیت به طرح، نمونه و مدلی از اشیاء گفته می‌شود. در مورد انسان نیز، الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل داشتن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. همچنین به کسی که کودکان از رفتار او تقلید کنند در علم روان‌شناسی اجتماعی، مدل می‌گویند. در علوم اجتماعی، الگوها شیوه‌هایی از زندگی هستند که با تأثیرپذیری از فرهنگ افراد به‌هنگام عمل به‌طور طبیعی با این الگوها سروکار دارند و اعمال آن‌ها با این الگوها تطابق می‌یابد. بنابراین، معنای اصطلاحی الگو در این سه علم بسیار به هم نزدیک است. (شایسته‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۹) الگو بیشتر ناظر به الگوهای انسانی است در بخش تربیت و تقویت ابعاد اخلاق رفتاری و شناختی انسان و مسائل آموزشی یادگیری کاربرد دارد (قائم‌مقدم، ۱۳۸۹). این واژه در معانی متعددی به کار می‌رود. در تعریف دیگری از الگو این‌طور آمده است: «الگوها افرادی را شامل می‌شود که تجسم امر خواسته شده‌اند. اگر به دنبال مهربانی هستید، الگوی مهربان کسی است که از وجودش (ذهن، فکر، گفتار، رفتار) مهربانی تراوش می‌کند» (نویدنیا، ۱۳۹۸، ص ۳).

۲-۲. مدیریت

مدیریت به معنای هماهنگی و نظارت روی برخی وظایف برای رسیدن به هدفی خاص توسط یک تیم است. دانشمندان در مورد مدیریت تعاریف مختلفی دارند. هرکس برحسب نوع نگاهی که از آن دارد تعریفی از آن بیان کرده است. پیتر دراگر در اهمیت مدیریت می‌گوید: «مدیریت مؤثر، جو منابع اصلی توسعه ملت‌ها شده و مهمترین منابع برای توسعه ملت‌ها محسوب می‌شود و در موفقیت یک سازمان نقش به‌سزایی دارد. بنابراین، در اعمال مدیریت توسط مدیر هرچه سازمان پیچیده‌تر باشد نقش مدیریت دشوارتر خواهد بود. به عبارت دیگر، مدیریت، تصمیم‌گیری در زمان مناسب با افراد مناسب در جایی است که فعالیت در آن جریان دارد» (یوسفی سرخنی و مهرزاده، ۱۴۰۰). مدیریت، پاسخ‌گویی به نیازهای سازمان را در چارچوب قوانین و مقررات با تکیه بر نظم ایجاد می‌کند. مدیریت، پاسخ‌گویی به نیازهای سازمانی را با تعیین اهداف، تدوین جزئیات مراحل دستیابی به اهداف و تخصیص منابع انجام می‌دهد (رحمانی، ۱۴۳۶، ص ۱۲۹).

۳. مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت زهرا علیها السلام الگویی کامل برای همه انسان‌ها در همه زمانهاست. ایشان از همان کودکی، محافظ و حامی دین اسلام بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت خود را علنی کرد از طرف مشرکین و کفار آزار و اذیت می‌شد. حضرت زهرا علیها السلام به یاری پدر شتافت و از نزدیک، شاهد جسارت‌ها و آزارها بر پدر بزرگوار خود بود. در سه سالی که در شعب ابوطالب گذراند، خدا می‌داند که به حضرت فاطمه علیها السلام چه گذشت. تمام سنگینی مشکلات بردوش حضرتش بود و این کودک عالی‌مقام از همان کودکی مانند یک رهبر و مدیر در برابر همه سختی‌ها مقاومت کرد و با مدیریت و رهبری خود در برابر مشکلات ایستادگی کرد و همچنان در تبیین و تبلیغ دین اسلام نیز با مدیریت خود به بسیاری از مسائل شرعی مردم پاسخ داد. برخی مواقع این‌قدر از ایشان سؤال می‌پرسیدند که خود سائین شرمند می‌شدند، ولی حضرت با حوصله و مدیریت کامل به سؤال آنها پاسخ می‌داد.

۳-۱. دفاع از نبوت

حضرت زهرا علیها السلام با اینکه کودکی خردسال بود معنای نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و رسالتی را که خود داشت، می‌فهمید و بار سنگینی که رسالت بر دوش ایشان می‌نهاد تا منزلتی متناسب با شخصیت مصطفی صلی الله علیه و آله احراز کند را به خوبی درک می‌کرد. ایشان می‌دید که قریش او را به دلیل ایمان به حق، منزوی کرده و جز جمعی معدود از مؤمنان رنج دیده حق، یار و یآوری ندارد. او به یاد می‌آورد آنچه را که دایی او (ورقه) گفته بود که قومش وی را اخراج می‌کنند و ایشان با سن کم می‌پرسید: «آن همه هیاهو در اطراف پدر با اینکه همگان به راست‌گویی و حسن خلق و فضایل اعمالش گواهی می‌دهند از چیست». این حوادث یکی پس از دیگری، حضرت حضرت فاطمه علیها السلام را در کودکی و تنهایی، آبدیده کرد و پدرش در عزلت و تأملات خود، بیشترین اوقات را می‌گذرانید و مادرش سرگرم امور محبوبش (پیامبر) بود و حمایت او را پیگیری می‌کرد تا برای دعوت و عبادت مهیا باشد. بعد از رحلت مادر، وقتی حضرت فاطمه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را با چهره خونین از آزار قریشیان می‌دید پدر را نوازش و دلداری می‌داد و بر زخم‌های او مرهم می‌گذاشت، برای ایشان دعا می‌کرد و به یاری پیام‌آور یکتاپرستی برمی‌خواست و او را برای رسیدن به هدفش تسلی و امید می‌داد. او برای پدرش، سنگ صبور بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به کرات فرمود: «فداها ابوها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹/۴۳). ایشان با سختی‌ها و دشمنی مشرکان قریش برای جلوگیری از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست‌وپنجه نرم می‌کرد. با احیای رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار پدرش، همراه، همدل و هم‌سنگر بود و در همان سن کم، با مدیریت موفق از نبوت دفاع می‌کرد (قزوینی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲).

مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در صحنه دفاع از نبوت، الگویی بی‌مثال برای جهانیان است. آن حضرت در سال پنجم بعثت یعنی، درست همان زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله مأمور به اظهار دعوت شده و مشرکین و کفار برای اذیت و آزار آن حضرت هجوم برده بودند دعوتش را علنی کرد. بسیاری از روزها با دست‌وپای خونین و سنگ خورده و با دل آزرده از زخم‌زبان‌ها، تمسخرها و اهانت‌های دشمنان به خانه بازمی‌گشت. این وضع تا سال‌های پنجم و ششم عمر حضرت حضرت فاطمه علیها السلام که حضرت خدیجه و ابوطالب زنده بودند ادامه داشت، ولی با وفات این دو تنها

حامیان وفادار حضرت رسول ﷺ و دین اسلام بودند آزار مشرکین بر آن حضرت بیشتر شد. حضرت زهرا علیها السلام در این روزها طفلی کوچک بود و همه این صدمات و اهانت‌ها نوعی شکنجه روحی برای حضرت بود، اما حضرت زهرا علیها السلام که پدر را چون جان خویش دوست می‌داشت به یاری پدر می‌شتافت و به زخم‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرهم می‌گذاشت و به ایشان تسلی می‌داد. (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۱۷)

از نمونه‌های مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در صحنه دفاع از نبوت این است که ابن اسحاق می‌گوید: «پس از مرگ ابوطالب، قریش پیامبر خدا را به‌گونه‌ای آزدند که در حیات ابوطالب این‌گونه جسارت نداشتند تا آنجاکه یکی از جهال قریش بر سر آن حضرت، خاک ریخت و رسول گرامی صلی الله علیه و آله داخل خانه شد درحالی که خاک بر سر مبارکش بود. حضرت زهرا علیها السلام برخاست و به استقبال پدر رفت و خاک را از سر پیامبر صلی الله علیه و آله پاک کرد و مانند یک مادر مهربان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تسلی داد و قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آرام گرفت» (یمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴). تاریخ گواه است که دختر رسول از سن کودکی چه کارهای عظیمی انجام داد. سه‌سالی که در شعب ابوطالب تبعید بود خدا می‌داند که به حضرت فاطمه علیها السلام چه گذشت. تمام سنگینی مشکلات بردوش حضرت بود. حضرت فاطمه علیها السلام دختر ثروتمندترین بانوی عرب بود، اما از همان کودکی می‌دید برخی از قریش برای آنکه در راه خدا ثابت قدم بمانند، گرسنه می‌مانند، اما تسلیم کفر قریش نمی‌شدند. وی می‌دید که مادرش همه دارایی‌های خود را به پای اسلام می‌ریخت. بانویی که کاروان‌های تجاری‌اش زبانزد عرب و غیرعرب بود حالا در شعب ابیطالب دوشادوش همسر خود رسول الله صلی الله علیه و آله در راه خدا، حفظ و نشر دین اسلام مجاهدت می‌کرد. حضرت زهرا علیها السلام می‌دید که پدرش در اوج گرسنگی و سختی دست از خدا نمی‌کشد. دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که مادرش ثروتمندترین بانوی عرب بود نیز با کمترین و ساده‌ترین غذاها تغذیه می‌شد و گاه مثل بقیه، گرسنه می‌ماند. از همان روزهای کودکی، مدیریت سیاسی آن حضرت در هنگام اوضاع سخت و نامناسب آغاز شد (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۱۷).

۳-۲. آموزش مسائل دینی به زنان

حضرت زهرا علیها السلام سرآمد زنان عالم است. سیده فقیه و حضرت فاطمه‌ای که در انتقال دین، دعوت و شناخت قرآن و سنت، توانمندی بالایی داشت. حضرت فاطمه علیها السلام با حوادث بزرگ و بلایای عظیمی روبه‌رو بود و درکنار پدر در تمام سختی‌ها ایستادگی کرد. ایشان در میان معصومان علیهم السلام نیز مقام علمی و جایگاه و منزلتی ویژه دارد؛ زیرا علم حضرت از علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره ایشان همان سیره رسول خداست. منبع علم و حکمت ایشان، قرآن و یگانه مربی‌اش، بهترین مفسر و مبین قرآن بود. ایشان عمری را در نهایت مهربانی و دلسوزی به تعلیم و تبلیغ معارف دین و حل مسائل دینی پرداخت؛ زیرا وجود پاکش مانند وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله سراسر نورانیت و لبریز از عطوفت است. گفتار ایشان همه با حکمت و درایت و سرچشمه نور و معرفت است؛ زیرا پاره همان وجودی است که هرگز از روی هوای نفس، سخن نگفت و کلام ایشان جز وحی و الهام الهی چیزی نیست: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ. عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ؛ هرگز از سر هوی سخن نمی‌گویند. سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست. جبرئیل فرشته بسیار توانا به وحی خداست» (نجم: ۵-۳). پس همه گفتار ایشان، الگویی برای عالمیان است.

علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی در مورد مرجعیت حضرت زهرا علیها السلام می‌نویسد: «تأکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتار و رفتار به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا علیها السلام سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنان‌که منزل ایشان پایگاه و پناهگاه افراد زیادی بود که به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلشان رفت‌وآمد داشتند و مسائل دینی‌شان را مطرح می‌کردند نه فقط مسائل دینی، بلکه همه نیازهای علمی‌شان را حضرت این‌گونه برطرف می‌ساختند که آنها از پاسخ این بزرگوار مطمئن می‌شدند. حضرت زهرا علیها السلام الگوی کامل مدیر و رهبر موفق در صحنه علمی برای حل مسائل دینی زنان بودند. نمونه‌ای از حل مسائل دینی زنان مدینه توسط آن حضرت این جریان است که: زنی به خدمت حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب گشت و سؤالی را مطرح ساخت و جواب آن را از حضرت شنید، سپس اجازه خواست و پرسش دوم را سؤال

کرد. حضرت جواب آن را نیز داد. به همین صورت ده مسئله از بانوی عزیز اسلام آموخت، ولی دیگر احساس شرمندگی کرد و بیش از آن نخواست حضرت فاطمه (ع) را مزاحمت نماید. از این رو اجازه خواست رفع زحمت نموده و خانه حضرت فاطمه (ع) را ترک گوید. حضرت احساس کرد او از کثرت پرسش‌های خویش شرمگین گردیده و به این جهت می‌خواهد خانه و حضور آن حضرت را ترک کند. بنابراین، فرمود: «شما خجالت نکشید، من در برابر هر مسئله‌ای که به تو آموزش می‌دهم، پاداش دارم؛ پاداشی خیلی مهم و آن اینکه تعلیم دادن يك مسئله، ارزش و ثوابش بیش از آن است که مابین زمین تا عرش خدا را از جواهرات ارزشمند پر نمایند. ای زن! اگر کسی به کارگری مشغول گردد و بار سنگینی را به دوش گرفته و به پشت بام حمل کند و در برابر آن، صد هزار دینار طلا مزد بگیرد آیا در این فرض، کارگر احساس خستگی می‌نماید. زن جواب داد: نه. حضرت فاطمه (ع) فرمود: من نیز در برابر آموزش‌هایی که انجام می‌دهم چنین احساسی دارم؛ زیرا پاداش من به مراتب بیشتر است. این شیوه حل مسائل دینی حضرت زهرا (ع) است و این حضرت فاطمه زهراست که از تبلیغ و تبیین دین اسلام خسته نمی‌شد. سائل خودش از کثرت سؤال احساس شرمندگی می‌کند، ولی این بزرگوار با مدیریت کامل، آنها را از دریای نور علم خودش سیراب می‌کرد». (عطایی، ۱۳۹۳، ص ۶۲۳)

امام حسن عسکری (ع) در حدیث دیگری می‌فرماید: «دو نفر زن که یکی مؤمنه و دیگری از معاندین بود در يك مسئله دینی با هم نزاع داشتند. آنها برای حل اختلاف، خدمت حضرت زهرا (ع) رسیدند و جریان را تعریف کردند. چون حق با زن مؤمنه بود حضرت فاطمه (ع) گفتارش را با دلیل و برهان تأیید کرد و بر زن معاند پیروز شد و از این پیروزی شادمان شد». حضرت زهرا (ع) به زن مؤمنه فرمود: «ان فرح الملائكة باستظهارك علیها اشد من فرحك وان حزن الشیطان و مردته بحزنها اشد من حزنها؛ فرشتگان خدا بیشتر از تو شادمان شدند و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیشتر از غم و اندوه زن معاند است». امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی به فرشتگانش فرمود: در عوض خدمتی که حضرت فاطمه (ع) به این زن مؤمن کرد بهشت و نعمت‌های بهشتی‌اش را هزار هزار برابر آنچه قبلاً مقرر بود، بدارید و همین روش

و سنت را درباره هر دانشمندی که با علم و دانش خویش، مؤمنی را تقویت کند که بر معاندی پیروز شود، معمول دارید و ثوابش را هزارهزار برابر قرار دهید» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱/۱۱).

۴. مدیریت حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت فاطمه علیها السلام هم در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هم بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صحنه سیاسی حضور داشت و در متن مسائل سیاسی بود به ویژه در توطئه‌های بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله که بر اهل بیت فشار آوردند همواره از حق و اسلام و اهل بیت دفاع می‌کرد. خطبه آتشین حضرت زهرا علیها السلام در مدینه بعد از رحلت پدرش، فراموش‌شدنی نیست و ایراد آن خطبه سیاسی و اجتماعی در حضور جمعیت انبوه مدینه برای دفاع حق خودش (فدک) و دفاع از مقام امامت، مشارکت در امور سیاسی است.

۴-۱. دفاع از مقام امامت

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن شرایط حساس، دشوار و بحرانی که فتنه و دشمنی، تمامیت اسلام و قرآن را تهدید می‌کرد حضرت فاطمه علیها السلام در جریان سیاسی امت اسلامی قرار گرفت و تا آنجا که به صلاح قرآن و اسلام بود از حق خود و تا پای جان و حیثیت و آبرو از اسلام و قرآن حمایت می‌کرد. وی در صحنه‌های گوناگون جامعه شرکت می‌کرد و با مدیریت خود در صحنه سیاسی، دفاع از مقام ولایت و رهبری، اساس اسلام را تضمین می‌کرد. (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱) یکی از نمونه‌های مدیریت سیاسی حضرت زهرا علیها السلام دفاع از مقام امامت است. حضرت تأثیرات شگرفی در رشد و نمو اسلام داشت و بزرگترین حامی و اصلی‌ترین پشتیبان ولایت الهی بود و در کل مسائل مربوط به وقایع جانسوز بعد از رحلت پدر بزرگوار در کنار همسرش باقی ماند. ایشان محروم شدن جامعه از امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام را عامل اصلی ناامنی اجتماعی و گمراهی جامعه می‌دانست. منابع شیعی و سنی تصریح کرده اند که ایشان به همراه حضرت علی علیه السلام و حسین علیه السلام در ایامی که خلافت امیر المومنین علیه السلام غصب شد شبانه در خانه برخی از صحابه و سابقین در اسلامی

می‌رفت و آنها را به حقیقت دعوت می‌کرد. حضرت زهرا علیها السلام این افتخار را دارد که اولین و برترین مدافع ولایت بود تا آنجا که جان خود را در راه ولایت تقدیم کرد (قهروانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶/۱۷).

بانوی اسلام خطبه‌ای را در برابر زنان مهاجر و انصار و در بستر بیماری و درون خانه بیان کرد. لحن این خطبه به خوبی نشان می‌دهد که از روحی بلند، سرشار از علم و دانش، مملو از محبت به خدا و ایمان و لبریز از درد و رنج، سرچشمه گرفته و خطبه آهنگی رسا و کوبنده و قاطع و شجاعانه دارد و کوبنده‌تر، دردناک‌تر و غم‌انگیزتر از خطبه فدکیه بوده است. از شگفتی‌های این خطبه آن است که حضرت زهرا علیها السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و قبل از شهادت، مورد ستم‌های زیادی واقع شد؛ ستم‌هایی که بیماری جانکاه او از آن ریشه می‌گرفت و با اینکه سؤال زنان مدینه هنگام عیادت آن بانو به‌ویژه از وضع حال و بیماری ایشان بود و ایشان باید چیزی از دردها و بیماری خود بگوید، ولی حتی يك کلمه از حال خودش سخن نگفت. محور تمام سخنان ایشان مسئله غصب خلافت و مظلومیت علی علیه السلام و خطرات آینده این انحراف بزرگ برای امت اسلامی بود. ایشان هیچ از درد خودش سخن نگفت و هرچه گفت از درد همسرش گفت و از مشکلات جهان اسلام. روح بزرگ حضرت زهرا علیها السلام برتر از آن است که از خودش و دردهایش هرچند بزرگ، سخن بگوید و بلندپروازتر از آن است که حتی تا این حد صعود کند.

ایشان فقط از امام و همسرش و دردهای او سخن گفت. آن حضرت همیشه و در واپسین لحظه عمر کوتاه و پردرد و رنجش مانند شمعی می‌سوخت تا اطراف خود را روشن کند و گمراهان را نجات دهد و مدافع حق و عدالت باشد. در خطبه زنان مهاجر و انصار، سخنان ایشان فقط بر محور خلافت و امامت دور می‌زند. با آنکه مظالم زیادی بر حضرت فاطمه علیها السلام رفته بود و مناسب بود دادخواهی کند، ولی نه دادخواهی کرد و نه لب به شکایت گشود. هرچه گفت از علی علیه السلام گفت، از خلافت و از مصالح مسلمین گفت. این خطبه حضرت اگرچه در مقطع خاصی ایراد شد و ناظر به مسئله ولایت حضرت علی علیه السلام است، ولی الگویی است برای همه مسلمان‌ها در تمام قرون و اعصار که در مسائل مربوط به حکومت اسلامی، سستی و بی‌تفاوتی نشان ندهند و از در سازش با افراد نااهل درنیایند. با این مسئله، سطحی برخورد نکنند و در انتخاب افراد برای مدیریت بر مردم

اگر چنین کنند باید در انتظار نتیجه شوم اعمالشان باشند. (شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۵) در آن شرایط ناگوار جامعه، حضرت زهرا علیها السلام لازم دید به میدان بیاید و از حق دفاع کند. سیره حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که هرگاه حق، صدق و عدل به محاق برود هرکسی که می‌تواند سخن حق بگوید و از عدل و صدق دفاع کند باید به میدان بیاید. در آن برهه تاریخی، حضرت علی علیه السلام مأمور به سکوت و حضرت فاطمه علیها السلام مأمور به بیان حق بود. بیان حق، زن و مرد و زمان نمی‌شناسد.

۴-۲. دفاع از حق خود

جامعه‌ای که حضرت در آن زندگی می‌کرد جامعه بیمارگونه بود که در آن هیچ چیزی در جای واقعی خودش قرار نداشت. در این جامعه پست، پلید و آفت‌زده، هیچ حرمتی برای کسی باقی نمانده بود. بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حتی از خاندان رسالت هم حق ولایت و خلافت و هم وراثت را غصب کردند. خاندان پیامبر به‌ویژه حضرت زهرا علیها السلام در این جامعه فسادزده دم می‌زدند و برای حق خودشان با خلفای وقت احتجاج می‌کردند. (ریاحی زمین، ۱۳۸۷، ۱۴/۱۵) باید دانست دغدغه اصلی حضرت زهرا علیها السلام میراث مادی نبود. آن حضرت تنها برای احقاق حق مادی خود به خطابه و احتجاج برخواست، بلکه حفاظت از میراث اصلی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی، همان میراثی که با رنج و مشقت بسیار در دوران پر مشقت تبلیغ رسالت محقق شد، همان میراث ایمان برای جامعه اسلامی است. هدف حضرت، هشدار نسبت به ایدئولوژی حاکم و تغییر و تحولات جامعه اسلامی است که نابودی میراث ایمانی، اسلامی و نبوی را هدف گرفتند (روشنفکر و اکبری‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷).

قیام زهرا علیها السلام ابعاد گوناگونی دارد که بعد سیاسی آن از هر نظر برجسته‌تر و مهم‌تر است. منازعه فدک، قیامی علیه اساس حکومت است و فریاد آسمان‌گیری که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خواست با آن، سنگ کجی را که تاریخ بعد از ماجرای سقیفه بر آن بنا شد، درهم فروشکند. برای اثبات این معنی کافی است در خطبه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام در مسجد نبی صلی الله علیه و آله و سلم رویاروی خلیفه و در حضور جمعیت انبوهی از مهاجر و انصار ایراد فرمود، تأمل کرد. در این خطبه، بیشتر سخن از مدح

حضرت علی علیه السلام، ستایش موضع‌گیری‌های اسلامی و جاودانه ایشان و اثبات حق اهل بیت است آنجا که می‌گوید: «آنها وسیله رسیدن انسان‌ها به خداوند و خاصان و پاکان اویند و گواهان غیب الهی و میراث بران خلافت و حکومت پیامبرانند». و عهد و پیمانی را به یاد می‌آورد که در غدیر نسبت به دو امانت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی، قرآن و عترت که با آن حضرت بسته و باید به آن وفادار بمانند و اکنون این پیمان را شکستند و رهبری کسی را که وجودش از نظر امتداد، وجود پیامبر صلی الله علیه و آله است و در دامن فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرورش یافته، وانهادند (خلجی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸).

بنابراین، مسئله در اینجا مسئله میراث و صدقه نیست مگر به همان اندازه‌ای که به موضوع سیاست حاکم مربوط است و هیچ‌گونه به مطالبه زمین و خانه نیز ارتباطی ندارد، بلکه از دید حضرت زهرا علیها السلام مسئله، مسئله اسلام، کفر، ایمان، نفاق و نص و شورا است. (صدر، ۱۳۹۷، ص ۵۳) حضرت فاطمه علیها السلام مانند یک مدیر و رهبر موفق، سخن حق را در برابر امامان جور رها نکرد هرچند به قیمت از بین رفتن آرامش و آسایش خودش تمام شود که آن حضرت چنین بهایی و حتی بالاتر از آن را هم برای بیان سخن حق پرداخت. آن حضرت و همسرش امیرالمؤمنین علیه السلام براساس وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله حافظ دین اسلام هستند. به همین دلیل دختر پیامبر صلی الله علیه و آله برای دفاع از حق خود و ولایت مطلقه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جمع حاضر شد و در برابر حاکم جائز، آن خطبه آتشین را ایراد کرد (حسینیان، ۱۳۷۵، ص ۶۵).

در روزگاری که خودکامگان دین از غفلت ساده‌لوحان نهایت بهره‌برداری را کردند و مردم غافل و عافیت‌طلب، حتی با نهیب بیداری دخت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از خواب گران خود بیدار نشدند، تاکتیک هوشمندانه حضرت در قالب وصیت سیاسی رخ نمود تا همواره در گذر زمان، اسباب بیداری حق‌جویان را فراهم کند. وصیت سیاسی آن حضرت مبنی بر تکفین و تدفین شبانه، اعلام آشکار نفرت از غاصبان منصب خلافت و غاصبان حق خودشان است. وصیتی که تا قیام آل محمد، نشان از مبارزه مستمر جبه حق علیه باطل و اعلام خشم الهی حضرت زهرا علیها السلام است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن برحذر کرده بود. این اندکی از نمونه‌های الگوی مدیریت موفق حضرت

زهرا علیها السلام در دفاع از حق خود آن بزرگوار و دفاع از مقام ولایت بود. (سلطان الواعظین، ۱۳۶۶، ص ۷۰۷)

۵. مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در مجاهدپروری

مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در مجاهدپروری نیز مانند دیگر بخش‌های زندگی ایشان، امروزه الگوی کاملی است. حضرت، فرزندان پاک خود را از همان کودکی طوری تربیت و پرورش داد که هر کدام از آنها مدافع، مجاهد و مبین دین اسلام شدند و حتی همه دارایی خود را در راه اسلام قربانی کردند. این ثمره تربیت پرورش حضرت زهرا علیها السلام است. حضرت فاطمه علیها السلام از مجاهدانی که در راه اسلام با دشمنان روبه‌رو بودند نگهداری می‌کرد و هر کاری از دستش ساخته بود در مسیر ترویج و حفظ اسلام انجام می‌داد.

۵-۱. تعلیم و تربیت فرزندان در مسیر حق

حضرت زهرا علیها السلام قرار بود که فرزندان خود را برای حفظ و سربلندی اسلام تربیت کند برای این هدف از همان کودکی طوری با فرزندان رفتار می‌کرد که از کودکی یاد بگیرند که چگونه هنگام ضرورت در صحنه‌های مختلف زندگی از اسلام و حق دفاع کنند. برای مثال در ماجرای غصب فدک هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام در خانه‌های مهاجرین و انصار می‌رفتند تا آنها را به یاری بطلبند حسنین علیهما السلام را نیز به همراه می‌بردند. همراهی ایشان احساس مسئولیت و الزام را در فرزندان برمی‌انگیزد. رشد حق‌طلبی از دو راه محقق می‌شود: یکی از راه تحریک و برانگیختن و دوم از راه تعیین مصداق و شناساندن حق که باعث آشکارتر شدن متعلق این گرایش می‌شود و در نهایت، انسان را به سوی شناخت حقایق و معرفت حق تعالی سوق می‌دهد. وقتی آنها حسنین را برای گرفتن حق، به همراه می‌برند مصداق حق‌طلبی را تعیین می‌کنند. (شهریاری، ۱۳۹۷، ص ۱۷) حضرت زهرا علیها السلام با فرزندشان امام مجتبی علیه السلام بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: «إشبهه أباک یا حسن وأخلع عن الحق الوسن و اعبُد ال‌ها ذا منن و لاتوالِ ذال‌احن؛ پسرم حسن مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق برکن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های

متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن». حضرت این گونه حق طلبی را در فرزندانش برمی‌انگیزد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۱۵۹/۲).

۵-۲. بازی و ایجاد نشاط در کودکان

بازی و تحرک کودکان نیز در شیوه تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام برای مجاهدپروری مورد توجه بوده تا آنجا که حضرت برای رشد و تکاپوی بیشتر کودکانش، خود با آنها هم‌بازی می‌شد؛ زیرا بازی‌های کودکانه که به نظر بی‌هدف و وقت‌گذرانی بیهوده است درحقیقت نوعی تمرین و آموزش زندگی است. بازی در اجتماعی شدن و همانندسازی کودک با محیط نقش مهمی دارد و به کودک کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی و سیاسی را بیاموزد و آنها را تحکیم بخشد و به صورت ابتدایی به کار گیرد. همچنین بازی باعث پرورش نیروی خلاقیت و ابتکار کودک می‌شود. ازسوی دیگر نقش سازنده مادر در تعیین مسیر و سرنوشت کودک بسیار درخور توجه است تا آنجا که نقطه آغازین سعادت و شقاوت انسان‌ها را دامن مادر و محیطی که مادر مهمترین رکن آن است، می‌دانند: «السعيد سعد في بطن امه والشقي من شقي في بطن امه؛ سعادت و شقاوت انسان در شکم مادرش تعیین می‌شود» (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۳۵۶).

باتوجه به برخوردهای عاطفی و منطقی حضرت فاطمه علیها السلام با کودکانش، مشخص می‌شود که حضرت در پرورش روح و بنیان‌های شخصیتی فرزندانش به قدری با ظرافت و دقت عمل کرد که هریک از فرزندان او از بزرگ‌ترین افراد بشر قرار گرفتند و صفحات بزرگی از تاریخ را ورق زدند و به الگوها و اسوه‌های مقاومت، ایثار، صبر، از خودگذشتگی و شجاعت تبدیل شدند. حضرت فاطمه علیها السلام امام حسینی را در دامن خود پرورش داد که باید روزی به داد اسلام برسد، جان خود و عزیزانش را فدای اسلام و قرآن کند، سرسلسله مردم آزاده جهان شود و این جمله را با خون مقدس خود در صفحه تاریخ بنویسد که باید بشر از قید بندگی غیر خدا رهایی یابد و تا مرز شهادت برای حفظ شرف و عزت ایستادگی کند. روش تربیتی و مجاهدپروری حضرت فاطمه علیها السلام با مدیریت موفق، بهترین الگو برای ساختن نسلی سعادت‌مند و موفق است. در تاریخ آمده است:

«روزی خلیفه دوم روی منبر بود. امام حسین علیه السلام که کودک خردسالی بود وارد مسجد شد و گفت: از منبر پدرم پایین بیا. عمر گریه کرد و گفت: راست می‌گویی این منبر پدر توست نه منبر پدر من». ممکن بود کسانی تصور کنند امام حسین علیه السلام در مجلس عمومی به دستور پدر بزرگوارش چنین گفته باشد. برای رفع این توهم، حضرت علی علیه السلام از میان مجلس برخاست و با صدای بلند فرمود: به خدا قسم، گفته حسین علیه السلام از ناحیه من نیست، عمر نیز قسم یادکرد و گفت یا اباالحسن راست می‌گویی، من هرگز شما را در گفته فرزندان متهم نمی‌کنم» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۱، ص ۴۵). او خوب می‌دانست که حسین علیه السلام در دامان چه کسی پرورش یافته است و نمونه این اعتراض‌ها را از جانب مادر او نیز دیده بود. نه فقط این، بلکه حضرت زهرا علیها السلام امام حسن را نیز در دامن خود پرورش می‌دهد که در مواقع حساس با صبر و مظلومیت خود تمام زحمات جد و پدر را حفظ می‌کند و با صلح و سکوت خود کمر بنی‌امیه و هرچه ستمگر را می‌شکند. این مدیریت موفق حضرت زهرا علیها السلام در مجاهدپروری است که دخترانی چون زینب و ام‌کلثوم را پرورش داد که به‌وسیله افشاگری‌هایش دستگاه ظلم بنی‌امیه و یزیدیان را رسوا کن و زینبی را ساخت که قهرمانی او زبانزد خاص و عام است. زینبی که آینه تمام‌نمای مادر بود، شجاعت مادر، حلم و صبر مادر، علم و تقوای مادر و بالاخره ایستادن در برابر غاصبین حقوق آل محمد صلوات الله علیهم را همه‌وهمه از مادر ارث برده‌اند.

زینب کبری علیها السلام در دانشگاه مادر بزرگوارش حضرت فاطمه علیها السلام آموخت که چگونه باید دولت‌های ستمگر را رسوا کرد و جلو مقاصد شوم آنها را گرفت و بعد از عاشورا پیام شهیدان را زنده نگاه داشت و در مجلس یزیدیان با شکوه و ابهت به پاسداری از خون شهدا پرداخت. باوجودی که عزادار و مصیبت‌زده بودند، هرگز در جایگاه ضعف قرار نگرفتند و در مقام بیان حوادث کربلا فرمود: «ما رأیْتُ الا جمیلاً؛ جز زیبایی چیزی ندیدم» (ارفع، ۱۳۷۰، ص ۴۴).

۵-۳. امداد رسانی در غزوات و جنگ‌ها

حضرت زهرا علیها السلام فقط آماده‌سازی فرزندان خودش برای دفاع از اسلام توجه نمی‌کرد، بلکه مجاهدان راه حق نیز مدنظرشان بود و برای آنها زمان صرف می‌کرد. روزهای جنگ و طوفانی مانند يك مرد شجاع مأموریت داشت از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد. هنگامی که جنگ احد پایان یافت و لشکر دشمن تازه صحنه را ترك کرده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله با دندان شکسته و پیشانی مجروح هنوز در میدان احد بود. حضرت فاطمه علیها السلام با سرعت به احد آمد و با اینکه هنوز نوجوان کم سن و سالی بود فاصله میان مدینه و احد را با پای پیاده و با شوق زیاد طی کرد، صورت پدر را با آب شست و شو داد، خون را از چهره آنها زدود، اما زخم پیشانی همچنان خون‌ریزی می‌کرد. قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر جای زخم ریختند و مانع خون‌ریزی شد و عجیب‌تر اینکه برای جنگی که در روز بعد اتفاق می‌افتاد، اسلحه برای پدر فراهم می‌کرد. در جنگ احزاب که از پررنگ‌ترین غزوات اسلامی بود و در ماجرای فتح مکه در آن روز که سپاه پیروزمند اسلام با احتیاط‌های لازم آخرین سنگر شرك را از دست مشرکان گرفت و خانه را از لوٹ وجود بت‌ها پاک کرد، باز دیده می‌شود حضرت فاطمه علیها السلام در کنار پیامبر قرار گرفته و به کنار خندق می‌آید و برای پیامبر صلی الله علیه و آله که چند روز گرسنه ماند غذای ساده‌ای که از قرص نانی تجاوز نمی‌کرد، تهیه می‌کند و هنگام فتح مکه برای او خیمه می‌زند، آب برای شست‌وشو و غسل آماده می‌کند تا گردوغبار را از تنشان بشویند و لباس پاکیزه‌ای بپوشد و رهسپار مسجد الحرام شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

بنابراین، آنچه تاریخ گواهی می‌دهد این است که حضرت در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی بدون تنازل از عفاف و اخلاق حضور داشتند. برخی از مذهبی‌ها حاضر نیستند کسی اسم همسرشان یا دخترشان را به زبان بیاورد در حالی که این روش و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله در همه جا می‌گفت: «فاطمه بضعه منی» غیرت این نیست که نام زنان خود را نبرند. عدم حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی، غیرت و عفت نیست. سیره و سنت حضور در همه صحنه‌های سیاسی و اجتماعی است، اما همراه با رعایت اخلاق و عفت. وقتی فدک توسط دستگاه خلافت صادره شد، زهرا مرضیه علیها السلام برای اعتراض به مسجد رفت و از بیداد خلیفه به خلق و خالق

شکایت کرد. اینکه زن در خانه بماند و کسی صدای او را نشنود یک ارزش نیست. ارزش، حفظ عفاف و حضور در صحنه‌ها و یاری مظلوم و مقابله با ظالم در صورت نیاز است. اگر در جامعه‌ای به جای مشغول کردن زنان به خود، کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به آنها آگاهی سیاسی داده شود آنها بهتر می‌توانند در شناخت حق و حقیقت بدون تعارف‌های دیپلماتیک و بازی‌های سیاسی وارد صحنه شوند و دفاع کنند. برای نمونه حضرت زهرا علیها السلام در نقد مردمان عصر تحریف در خطاب به زنان عیادت‌کننده می‌گوید: «به خدا دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم! درون و برونشان را آزمودم و از آنچه کردند، ناخشنودم؛ زیرا تیغ زنگارخورده نابرا و گاه پیش‌روی واپس‌گرا و خداوندان اندیشه‌های تیره و نارسایند. خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند». این‌گونه فعالیت‌های حضرت در این مسیر، بهترین الگوی مدیریتی در صحنه سیاسی برای زنان این دوران است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۱۸/۲).

۶. نتیجه‌گیری

الگوی مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از اسلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعد از رحلت ایشان شامل دو بخش است: دفاع از نبوت که سختی‌ها و مشقت‌هایی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه تبلیغ و تبیین اسلام در پیش داشت و بعد از رحلت ابوطالب و حضرت خدیجه تنها حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نبوت ایشان دفاع می‌کرد. همچنین در آموزش دین و پاسخ به مسائل دینی به زنان مدینه که خود سائل از زیادی سؤالات شرمنده می‌شد، ولی حضرت زهرا علیها السلام با مدیریت کامل و باحوصله به سؤالات آنها پاسخ می‌داد. الگوی مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در زمینه حمایت از مقام ولایت و رهبری که شامل دفاع از مقام امامت و ولایت مانند سخنرانی‌های متعدد و پرشور و ملاقات‌های مکرر با اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است. در این مسیر تا آنجا پیش می‌رود که جان مبارک خود را تقدیم می‌کند و به‌درجه شهادت می‌رسد. الگوی مدیریت حضرت زهرا علیها السلام در مجاهدپروری شامل تربیت فرزندان پاک مانند امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام برای حفظ و سرپلندی اسلام و امدادسانی در غزوات و جنگ‌هاست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۵). مترجم: بهرام پور، ابولفضل. قم: آیین دانش.
۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. قم: انتشارات علامه.
 ۲. احمدی، حبیب‌الله (۱۳۷۹). حضرت فاطمه علیها السلام الگوی زندگی. قم: فاطمیان.
 ۳. اردبیلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمه. تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
 ۴. ارفع، کاظم (۱۳۷۰). حضرت فاطمه علیها السلام اسوه زنان. تهران: فیض کاشانی.
 ۵. حسینیان، روح‌الله (۱۳۷۵). فرشته زمینی. زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. قم: دارالحدیث.
 ۶. خلجی، محمدتقی (۱۳۸۷). رخساره خورشید (ترجمه و شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام). قم: میثم تمار.
 ۷. رحمانی، جعفر (۱۳۹۴). مدیریت فرهنگی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 ۸. روشنفکر، کبری. و اکبری‌زاده، فاطمه (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا. نشریه منهای، ۱۲(۷)، ۱۲۵-۱۴۵.
 ۹. ریاحی زمین، زهرا (۱۳۸۷). جامعه‌آرمانی در کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. نشریه علوم حدیث، ۲(۱۳)، ۱۲۹-۱۵۴.
 ۱۰. سلطان‌الواعظین، محمد (۱۳۶۶). شب‌های پیشاور. تهران: دارالکتب اسلامی.
 ۱۱. شایسته‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی نقش الگوی رهبران جامعه در تداوم انقلاب اسلامی ایران. نشریه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی، ۲۷(۸)، ۶۷-۹۰.
 ۱۲. شهریاری، روح‌الله (۱۳۹۷). اصول پرورش فضایل اخلاقی در فرزندان برمبنای سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام. نشریه علمی-پژوهشی-ترویجی در حوزه اخلاق، ۳۲(۸)، ۱۲۳-۱۴۵.
 ۱۳. صدر، محمدباقر (۱۳۹۷). فدک در تاریخ. مترجم: عابدی، محمود. تهران: بنیاد بعثت.
 ۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
 ۱۵. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۰۳). الاحتجاج. بیروت: مؤسسه الجواد.
 ۱۶. عطایی، علی‌آصف (۱۳۹۳). زندگی چهارده معصومین علیهم‌السلام. قم: آیین دانش.
 ۱۷. قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹). روش الگویی در تربیت اسلامی. نشریه معرفت، شماره ۶۹، ۲۵-۳۷.
 ۱۸. قزوینی، محمدکاظم (۱۳۸۴). حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت. مترجم: کرمی فریدنی، علی. قم: مرتضی بی‌جا: بی‌نا.
 ۱۹. قهرمانی‌نژاد شایق، بهاء‌الدین (۱۳۹۴). زندگی و سیره حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان الگوی سبک زندگی دینی. نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۵(۴)، ۲۱۹-۲۴۱.
 ۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث.
 ۲۱. محمدی‌اشتهاردی، محمد (۱۳۸۱). نگاهی به زندگی امام حسین علیه‌السلام. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). حضرت زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان. قم: سرور.
 ۲۳. یمانی، محمد عبده (۱۳۷۸). حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. مترجم: رهبر، محمدتقی. تهران: نشر معشر.
 ۲۴. یوسفی سرخنی، میثم. و کوثر، مهرزاده (۱۴۰۰). تفاوت مدیریت و رهبری در رسانه. نشریه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۷۷(۵)، ۹۱-۱۰۷.